

## امام خمینی (ره) و جذب اجتماعی و سیاسی جوانان

جعفر سطوتی<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله ضمن ارائه تعریف از طرد اجتماعی و جذب اجتماعی به عنوان مقولات عمدتاً جامعه‌شناختی، و تا حدودی تبیین شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دوران مبارزات امام خمینی (ره) علیه رژیم پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، تلاش شده است تا شناخت و نقش‌آفرینی امام خمینی (ره) در این خصوص و البته با تمرکز بر حوزه طرد و جذب اجتماعی و سیاسی جوانان، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این مقاله تحقیقی از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و متدولوژی آن توصیفی - تحلیلی انتخاب شده است. به منظور انسجام و شفافیت تحقیق، مباحث نیز در دو قسمت تحت عناوین ذیل دسته‌بندی شده است:

۱- شرایط حاصل از حکمرانی ناشایست هیأت حاکمه پهلوی (شامل: ۱- طرد اجتماعی ناشی از بی‌عدالتی و فساد اجتماعی، سیاست‌گریزی ناشی از استبداد، خفقان و وابستگی سیاسی)

۲- مواضع و راهبردهای امام (ره) قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (شامل: ۱) جذب اجتماعی جوانان با التزام به تغییر رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات (۲) جذب سیاسی جوانان با التزام به ترویج آزادی، مردم‌سالاری و استقلال سیاسی).  
واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، جوانان، طرد اجتماعی، جذب اجتماعی، طرد سیاسی، جذب سیاسی، سیاست‌گریزی

۱- پژوهشگر و صاحب‌نظر در امور جوانان؛ [jsatvaty@yahoo.com](mailto:jsatvaty@yahoo.com)

## مقدمه

دو مقوله جوانان و امام خمینی(ره) از جمله مقولاتی هستند که پس از دهه ۱۳۷۰ پیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و متخصصان و محققان رشته‌های مختلف قرار گرفته است. پس از رحلت حضرت امام خمینی(ره)، بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۶۸، ضرورت شناسایی ابعاد وجودی ایشان در دستور کار نظام قرار گرفت و از آن تاریخ به بعد حجم عظیمی از کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی، همایش‌ها، سمینارها و نشست‌های متعدد در سطوح مختلف ملی، استانی و محلی و حتی همایش‌های بین‌المللی و بزرگداشت‌های سالانه با موضوع امام خمینی را شاهد بوده‌ایم. هم‌زمان، ضرورت توسعه کشور بر اساس برنامه‌های مدون نیز در دستور کار نظام قرار گرفت و از سال ۱۳۶۸ نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) به مورد اجرا گذاشته شد، و تاکنون (۱۳۸۸) چهار برنامه پنج ساله با فراز و نشیب‌های مختلف تدوین و اجرا شده‌اند. اما در ارتباط با جایگاه موضوع جوانان از آن تاریخ تاکنون باید متذکر شد که موضوع جوانان از همان برنامه پنج ساله اول توسعه مورد توجه نظام قرار گرفته بود. این توجه در قالب برخی از مواد قانون برنامه اول توسعه آغاز و سپس در قالب گنجاندن مواد بیش‌تر و شفاف‌تر در قوانین برنامه‌های دوم و سوم و چهارم توسعه استمرار و استحکام بیش‌تری یافت.

بنابراین، هم مقوله امام خمینی و هم مقوله جوانان از جمله مقولات پر اهمیت در جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند که ریشه‌های این اهمیت بالا به دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (دوران مبارزات نهضت امام خمینی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷) برمی‌گردد. دورانی که اصول جمهوری اسلامی تحت رهبری امام خمینی و با اتکای بر مجاهدت‌های جوانان آزادی‌خواه، عدالت‌جو و استقلال‌طلب پی‌ریزی شد.

در این نوشتار که تحت عنوان "امام خمینی(ره) و جذب اجتماعی و سیاسی جوانان" و با هدف تبیین سیره نظری و عملی امام در قبال نسل جوان تنظیم شده است، ارتباط معناداری بین دو مقوله امام خمینی و جوانان برقرار شده است. چارچوب زمانی بحث نیز از زمان آغاز نهضت امام خمینی، یعنی خرداد ۱۳۴۲ تا پایان عمر پر برکت امام، یعنی خرداد ۱۳۶۸ را شامل می‌شود. در این تحقیق که از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، به برخی از سؤالات مرتبط با پیوند دو مقوله امام خمینی و جذب اجتماعی و سیاسی جوانان پاسخ داده خواهد شد. سؤالاتی از جمله:

- ۱- ارتباط موضوعی جوانان با نهضت انقلاب اسلامی امام خمینی چگونه بوده است؟ به عبارت دیگر، تأثیر و تأثر مسئله جوانان با نهضت چگونه تبیین می‌شود؟
- ۲- موضوع جوانان در اندیشه و در مواضع نظری و عملی امام خمینی چه جایگاهی داشته است؟ آیا این جایگاه از آغاز نهضت تا پایان عمر امام تغییر نیافت؟
- ۳- چه مسائلی موجب توجه خاص امام به مسئله جوانان در دوران مبارزات شد؟
- ۴- چه مسائلی موجب تمایل نسل جوان به نهضت امام خمینی در دوران پهلوی شد؟
- ۵- چه عواملی موجب پیوند اجتماعی و سیاسی جوانان با نهضت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی گردید؟

۶- آیا نظریات مربوط به طرد اجتماعی و جذب اجتماعی می‌تواند مواضع امام در قبال جوانان را تبیین کند؟ نظریه‌های مرتبط با سیاست و توسعه چطور؟

هرچند در این تحقیق مختصر به دنبال فرضیه‌پردازی نبوده‌ایم، لکن اگر بخواهیم فرضیه‌ای برای آن تعیین و تأیید کنیم، شاید این فرضیه باشد که "جذب اجتماعی و سیاسی جوانان از سوی امام خمینی یکی از رموز پیروزی انقلاب اسلامی بوده است". به منظور انسجام منطقی در مباحث این مقاله، تلاش شده است تا ساختار تحقیق را در قالب دو بخش به شرح ذیل سازماندهی کنیم:

در بخش نخست شرایط حاصل از حکمرانی ناشایست هیأت حاکمه پهلوی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت که شامل موارد زیر است:

۱- طرد اجتماعی ناشی از بی‌عدالتی، فساد اجتماعی و توسعه تک بُعدی

۲- سیاست‌زدگی و سیاست‌گریزی ناشی از استبداد، خفقان و وابستگی سیاسی

در بخش دوم نیز مواضع و راهبردهای امام خمینی (ره) قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی خواهد شد که شامل موارد زیر است:

۱- جذب اجتماعی جوانان با التزام به تغییر رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات

۲- جذب سیاسی جوانان با التزام به ترویج آزادی، مردم‌سالاری دینی و استقلال سیاسی). ضمناً مفهوم هر یک از اصطلاحات کلیدی به کار رفته در تحقیق نیز در خلال مباحث دو بخش مذکور تعریف خواهد شد.

## ۱- شرایط حاصل از حکمرانی ناشایست هیأت حاکمه پهلوی

### ۱-۱ طرد اجتماعی ناشی از بی‌عدالتی و فساد اجتماعی

اصطلاح طرد اجتماعی<sup>۱</sup> که برای نخستین بار در فرانسه به کار گرفته شد، امروزه به طور گسترده‌ای در انگلستان و اروپا به کار برده می‌شود (هیلاری سیلور، ۱۹۹۴: ۷۸-۵۳۱). این اصطلاح در رشته‌های مختلفی همچون آموزش، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست، اقتصاد، حقوق و حتی فلسفه مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد. یکی از تعاریف جامعه‌شناختی از طرد اجتماعی تعریفی است که هیلاری سیلور در مطالعه تطبیقی خود در خصوص وضعیت اجتماعی جوانان اروپا و خاورمیانه (۲۰۰۷) ارائه می‌دهد:

«طرد اجتماعی فرایندی چند بُعدی از گسست اجتماعی رو به تزاید است که گروه‌ها و افراد مختلف جامعه را از مناسبات و نهادهای اجتماعی جدا نموده و آنها را از مشارکت کامل در فعالیت‌های معمول و فعالیت‌های به اصطلاح به‌هنگار جامعه محل زندگی‌شان باز می‌دارد» (هیلاری سیلور، ۲۰۰۷: ۱۵).

در کنار تعریف فوق، تعریفی که فیلسوف آکسل هانث<sup>۲</sup> از طرد اجتماعی ارائه کرده است بسیار جالب توجه است. او از مبارزه برای شناسایی (به رسمیت شناخته شدن) سخن می‌گوید؛ مبارزه‌ای که او سعی دارد تا از طریق فلسفه هگل آن را تئوریزه کند. در این مفهوم، طرد اجتماعی به معنای محرومیت از همان شناسایی اجتماعی و محرومیت از ارزش اجتماعی است. در حوزه سیاست، شناسایی اجتماعی از طریق شهروندی کامل

1. Social Exclusion  
2. Axel Honneth

حاصل می‌شود و در حوزه اقتصاد (از نوع سرمایه‌داری) شناسایی اجتماعی زمانی به دست می‌آید که شخص به اندازه کافی درآمد داشته باشد تا توان مشارکت کامل در حیات اجتماعی‌اش را به دست آورد. لذا چنین مفهومی را می‌توان از طریق توجه بیش‌تر به نمونه‌هایی از "بحران همگرایی اجتماعی: فقر، طرد یا حاشیه‌ای شدن از حرفه و تخصص، محرومیت از حقوق اجتماعی و مدنی، فقدان و یا تضعیف شبکه‌های حمایتی، اختلافات بین فرهنگی مکرر و پی در پی" برداشت کرد.<sup>۱</sup>

اما در تعریف مفهوم جوانان به همین قدر بسنده می‌کنیم که از رویکردهای مختلف به موضوع جوانان می‌توان تعاریف متفاوتی از آن ارائه کرد. اما نظر به این‌که تحقیق حاضر را تحقیقی چندرشته‌ای می‌دانیم لذا رویکرد تلفیقی و یا جامع‌نگر را در تعریف مفهوم جوانان برمی‌گزینیم. بر این اساس، جوانان را همان گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله می‌دانیم (تصویب‌نامه شورای عالی جوانان، جلسه ۲۳، مورخ ۱۳۸۴/۲/۷) که با طیف وسیعی از چالش‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، حقوقی، مذهبی، فیزیولوژیکی و... مواجه هستند.<sup>۲</sup>

با این توضیح مقدماتی، و با این فرض که اصطلاح و مفهوم طرد اجتماعی را صرفاً مفهومی جامعه‌شناختی نمی‌دانیم و قائل به این واقعیت هستیم که امروزه این مفهوم فراتر از رشته جامعه‌شناسی و توسط اندیشمندان سایر رشته‌های علمی نیز مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد، به یکی از خطاهای استراتژیک که در دوران پهلوی دوم رخ داد و رژیم علی‌رغم تذکرات چه هواداران و چه مخالفان خود، بر این خطا اصرار داشت می‌پردازیم. این خطای بزرگ؛ یعنی ترویج بی‌عدالتی و تبعیض از یک سو و توجه صرف به بُعد اقتصادی توسعه (آن‌هم در قالب صنعتی شدن) از سوی دیگر، نتیجه‌ای جز طرد اجتماعی گسترده مردم و بالاخص جوانان نداشت. این خطا هم‌زمان با شکل‌گیری و فعالیت نهضت امام خمینی (ره) (دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰) استمرار و حتی شدت بیش‌تری یافت. روحیه استبدادی شاه و مشی استبدادگری هیأت حاکمه، شرایط را به گونه‌ای ساخته بود که تبعیض و بی‌عدالتی در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به طرز آشکار اعمال می‌شد و قدرت حاکم توان شنیدن صدای معترضان را نداشت. برخی از نخبگان موجود در هیأت حاکمه نیز که گه‌گاه تذکراتی می‌دادند با برخورد دافعه‌آمیز قدرت حاکم مواجه می‌شدند. در مقابل، امام خمینی (ره) به عنوان مصلح بزرگ که نهضت خود را با قیام تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز نمود، در کنار بخشی از نخبگان تحت سلطه و طرد شده، فریاد اعتراض و انتقاد خود را سردادند. برخلاف قدرت حاکم که بینایی خود را در دیدن واقعیاتی ملموس از قبیل فقر فزاینده؛ فساد اجتماعی روبه‌تزايد جوانان همچون فحشا، اعتیاد و بزهکاری؛ بیکاری و مهاجرت جوانان روستایی؛ گسست هویتی و فرهنگی مهاجران حومه‌نشین؛ مشکلات اقتصادی و اجتماعی برای ادامه تحصیل دانشجویان؛ حاشیه‌ای شدن جوانان از رویدادهای اجتماعی و... و در نتیجه طرد اجتماعی جوانان از دست داده بود، امام خمینی (ره) با بصیرت تمام نه تنها واقعیات

1. <http://urbact.eu/document-library/virtual-files/childhood/france/situation-of-single-parent-households-headed-by-wo.html>

۲- برای اطلاع بیش‌تر رجوع کنید به: جعفر سطوتی، «علل و انگیزه سازمان‌های بین‌المللی از تشدید توجه به مسئله جوانان در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران ۱۳۸۰

مذکور- و در واقع شواهد و نشانه‌های ملموس طرد اجتماعی جوانان - را دیدند، بلکه متوجه علل و ریشه اصلی این طرد نیز شده بودند.

از زمانی که امام (ره) در اولین سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خود (۱۳۴۲) نسبت به بی‌عدالتی و فساد اجتماعی گسترده و همه‌جانبه و عواقب ملموس آن در صحنه اجتماع هشدار دادند، تا زمانی که شاه اقرار به شنیدن صدای انقلاب مردم ایران (۱۳۵۷) نمود، فرصت زیادی بود تا قدرت حاکم نسبت به اعمال اصلاحات و رفع بی‌عدالتی و بالطبع پیشگیری از روند فزاینده طرد اجتماعی جوانان اقدام نماید. امام (ره) در یکی از هشدارهای خود در تاریخ ۱۳۴۶/۱/۲۷ (۵ محرم ۱۳۸۷)، صراحتاً در نامه‌ای سرگشاده خطاب به امیر عباس هویدا، نخست‌وزیر وقت، با ادبیات خاص خود به بیان علل طرد اجتماعی مردم و بالاخص جوانان پرداخته و دولت را به عواقب خطرناک آن تنبه می‌دهد:

«موجب کمال تأسف است که نغمه ناموزون اصلاحات شماها تقریباً از حدود تبلیغات رادیو و روزنامه‌های غیرآزاد و بعضی نوشته‌های مشحون به گزافه تجاوز نموده و هر روز بر فقر و بیچارگی ملت افزوده می‌شود و ورشکستگی بازار و بازرگانان محترم روزافزون است. نتیجه این همه هیاهو و تبلیغات سرتاپا گزاف، بازار سیاه برای اجانب است و ملت را به حال فقر و عقب‌افتادگی به اسم ملت مترقی نگه داشتن است. . شماها در کاخ‌های مجللی که در هرچند سال تغییر مکان داده و با میلیون‌ها تومان خرج‌های گزاف که تصورش برای ملت ممکن نیست، نشست‌اید و مخارج آن را از کیسه این ملت بدبخت اخاذی نموده‌اید و ناظر فقر و گرسنگی ملت و ورشکستگی بازار، بیکاری جوانان فارغ‌التحصیل هستید، ناظر اختلال وضع فلاح و زراعت، اختلال وضع بازار، تسلط اسرائیل بر شئون اقتصادی کشور، بلکه به طوری که گزارش داده‌اند دخالت اسرائیل در فرهنگ می‌باشید، ناظر فقدان ضروریات اولیه زنداگی در غالب دهات نزدیک به مرکز، چه رسد به دهکده‌های دورافتاده، از قبیل آب آشامیدنی سالم، حمام، وسایل بهداشت هستند، ناظر ترویج فساد اخلاق، سلب امانت و دیانت در اعماق دهکده‌هایی هستید. ناظر تشکیل صندوق به اسم تعاون و اخاذی و غارت‌گری مأمورین از دهقان گول‌خورده و پشیمان هستید، بالاخره ناظر حبس‌ها و ارباب تبعیدهای غیرقانونی هستید و در خوشی و عیاشی و بازی‌های خجالت‌آور غوطه خورده به قبرستانی که نامش ایران است فاتحه می‌خوانید. . این‌قدر با حیثیت این ملت بازی نکنید. به جای این همه گزافه و جنجال، خدمتی به این سر و پا برهنه‌ها کنید یا لااقل این‌قدر با بهانه‌های مختلف آنها را رنج ندهید، از این کسبه بی‌بصاعت این‌قدر اخاذی نکنید. این‌قدر برای رضای شهوات دیگران به علمای ملت و محصلین و دانشجویان فشار نیاورید» (صحیفه امام، ج ۲، صص ۱۲۳-۱۲۶).

همچنین، ایشان در مجال‌های بعدی بار دیگر به بارزترین مصداق طرد اجتماعی جوانان که همانا بی‌عدالتی و تحقیر اجتماعی است تأکید می‌کنند. ایشان در بیانات خود در نجف اشرف به تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۱ که در واکنش به فاجعه کشتار ۱۹ دی صورت گرفت چنین تصریح نمودند:

«اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است

که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمع‌اش هم باید عادل باشد، از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر، زمامدار باید عادل باشد، ولاتشان هم باید عادل باشند، این ولاتی که در اسلام می‌فرستادند، والی‌هایی که می‌فرستادند به این طرف و آن طرف امام جماعتشان هم بود، باید عادل باشد، اگر عادل نباشد، اگر عدالت در بین زمامداران نباشد، این مفاسدی است که دارید می‌بینید، اسلحه دست اشخاص غیرصالح، اسلحه دست اشخاص ناصالح، اشخاص بی‌انصاف، بی‌عدالت. این‌ها از این طرف آدمکشی می‌کنند، از آن طرف "عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی"؛ از آن طرف فشار می‌آورند به زن‌ها که باید بی‌حجاب بشوید، از آن طرف "آزادی نسوان، آزادی نسوان"؛ این‌ها مضحکه است. این آزادی مضحکه است، آزادی نیست. از آن طرف "اصلاحات- اصلاحات ارضی"، از آن طرف بازار برای آمریکا درست می‌کنند. تمام اصلاحات ارضی ما این شد ما [که] یک گوشه‌ای از مملکت مان برای تمام مملکت مان آذوقه داشت باقیش باید برود بیرون و پول بگیرند، حالا هر چی دست می‌زنی می‌گویند از خارج باید بیاید آن وقت هم افتخار می‌کنند به این که ما آنیم که گندم از خارج آوردیم، جو از خارج آوردیم، پرتقال از خارج آوردیم، تخم مرغ از خارج آوردیم. گریه دارد این و حیا در کار نیست. اصلاحاتشان هم یک همچو اصلاحاتی است که همه آن مفسده است» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۴-۳۰۵).

در عین حال که امام خمینی (ره) در قالب نامه‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌هایشان در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مسئله طرد اجتماعی جوانان در دوران پهلوی را در قالب آن ادبیات و بیانات ساده و در عین حال عمیق و حکیمانه‌شان متذکر می‌شدند، تلاش زیادی نمودند تا پس از پیروزی انقلاب نیز شرایط اسفناکی که در آن دوران منجر به طرد اجتماعی جوانان و تخریب سرمایه اجتماعی شده بود را متذکر شوند. لذا در دیداری که اعضای مؤسسه اسلامی مبارزه با اعتیاد در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۵ با امام داشتند، شرایط قبل از انقلاب را چنین یادآور شدند:

این‌ها همه نقشه‌ای است که ذخایر ما را ببرند. تنها نفت نیست، ایران ذخایر فراوانی دارد و آنها اطلاع دارند. چه کسی می‌تواند جلوی این فسادها و حمله‌ها را بگیرد. اینان می‌خواهند نسل جوان را به مواد مخدر یا به آن عیش و نوش که آن هم مخدر است مبتلا کنند. اگر دنیا را آب ببرد این آدم را خواب می‌برد. این به دنبال آن مسائل است، چه کار دارد که مملکتش را می‌برند، جهنم که می‌برند. مردم و جوانان را چنان بار می‌آوردند که منطقی این چنین پیدا می‌کند که اگر هر کاری بشود می‌گوید به من چه مربوط است. جوانی که اگر در جایی صحبتی شد، به حیثیت کشور و ملتش، به حیثیت اسلامی او برمی‌خورد باید قیام کند و مبارزه کند، چنان او را می‌سازند که از پی این منقل نتواند و آن پیاله نتواند حرکت کند. آقا این نقشه است، قضیه عادی نیست که ما خیال کنیم که خوب جوانند و اقتضای جوانی این است. الان ما در جنگ هستیم، در جنگ سیاسی و اقتصادی هستیم، محتمل است جنگ نظامی هم پیش بیاید، جوان‌های ما باید برای خاطر اسلام و برای خاطر ملت و کشور و حیثیت خودشان، برای نوامیس خودشان دست از آن مراکز بکشند و در مراکز صحیح تربیتی قرار گیرند (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۲۹-۴۳۰).

## ۲-۱ سیاست‌گریزی ناشی از استبداد، خفقان و وابستگی سیاسی

هرچند ریشه استبداد، خفقان و وابستگی سیاسی دوران پهلوی به همان ابتدای استقرار این سلسله شاهنشاهی در سال ۱۳۰۴ برمی‌گردد، لکن استبداد دوران پهلوی دوم را - که به‌طور خاص پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مردمی مرحوم دکتر محمد مصدق استحکام و قوام بیش‌تری پیدا کرد - باید پیچیده‌تر، موزیانه‌تر و مخرب‌تر دانست. با این حال، علی‌رغم حمایت‌های خارجی و خیانت‌های داخلی، هوشیاری جوانان، روشنفکران و روحانیت کشور اجازه نداد که رژیم کودتایی بتواند بیش از ۱۵ سال دوام بیاورد. امام خمینی با شناختی واقع‌بینانه از شرایط، نیازها و امیال جوانان متوجه ریشه‌ها و علل سیاست‌زدگی و سیاست‌گریزی نسل جوان شدند و با کیاست لازم برای رهبری یک جنبش بزرگ اقدام به ختنی کردن توطئه رژیم برای حذف جوانان از سیاست نمودند. برخلاف سیاست‌ها و برنامه‌هایی که هیأت حاکمه وقت برای طرد جوانان از عرصه سیاست تدوین و اجرا می‌کرد، امام (ره) تلاش نمود تا با افشاگری و تبیین حقوق سیاسی و مدنی مردم و بالاخص جوانان، پرده از توطئه نظام برای سیاست‌گریزی جوانان بردارد. نامه سرگشاده امام (ره) به هویدا در ۱۳۴۶/۱/۲۷ را باید از جمله این افشاگری‌ها دانست:

«حکومت پلیسی غیرقانونی شما و اسلاف شما به خواست آنان که می‌خواهند ملل شرق به حال عقب‌افتادگی باقی باشند، حکومت قرون وسطایی، حکومت سرنیزه و زجر و حبس، حکومت اختناق و سلب آزادی، حکومت وحشت و قلدری است. با اسم مشروطیت، بدترین شکل حکومت استبداد و خودسری و با نام اسلام بزرگترین ضربه به پیکر قرآن کریم و احکام آسمانی است. با اسم تعالیم عالییه اسلام، یک یک احکام اسلام را زیر پا گذاشته و اگر خدای نخواستہ فرصت یابید خواهید گذاشت و با گزاره دعوی ترقی و تعالی، کشور را به حال عقب‌افتادگی نگه داشته‌اید. این‌ها حقایق تلخی است که باید دنیا را مطلع کنم و انگشت روی بعضی بگذارم تا آنها که غافل هستند یا تغافل می‌کنند احساس وظیفه کنند و از ریاکاری‌ها و سالوس‌بازی‌های شماها گول نخورند. . . شماها می‌دانید اگر ملت سرنوشت خود را در دست بگیرد، وضع شماها این نحو نیست و باید تا آخر کنار بروید و اگر ده روز آزادی به گویندگان و نویسندگان بدهید، جرایم شما برملا خواهد شد، قدرت آزادی دادن ندارید (و الخائن خائف). سلب آزادی مطبوعات و دیکته کردن سازمان به اصطلاح امنیت، سند عقب‌افتادگی است. هر چندی جشن گرفتن برای اموری که در کشورهای دیگر اسمی از آن نیست با تحمیل خرج‌های کمرشکن به ملت، سند دیگری است. تسلیم به خواست‌های دولت پوشالی اسرائیل و به خطر انداختن اقتصاد مملکت، سند ضعف و نوکری است و سند خیانت به اسلام و مسلمین است. اعطای مصونیت به اجانب، سند بزرگ عقب‌افتادگی و بی‌حیثیتی و تسلیم بی‌قید و شرط است» (صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۵).

در عین حال که رژیم پهلوی تلاش می‌کرد تا جوانانی سیاست‌گریز تربیت کند و بتواند به راحتی و فراغ بال به استبداد و خودکامگی خود ادامه دهد، دو عامل مهم؛ یعنی اختناق فوق‌العاده و فشار بر جوانان و بالاخص جوانان دانشگاهی و نیز وابستگی سیاسی به بیگانه موجب نوعی سیاست‌زدگی (سوءظن و بی‌اعتمادی شدید به هر اقدام حکومت ولو اقدامات عمرانی و تعبیر منفی نمودن از هر اقدام رژیم) در میان

جوانان شد. امام (ره) در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۵ با خبرگزاری رویتر انجام می‌دهد مسئله را بدین شکل بیان می‌کند:

«آنچه که به طور مختصر می‌توان گفت این است که فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است. مردم ایران را زیر شکنجه و سیاه‌چال‌های زندان کشته است. از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام این‌ها موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند» (همان، ج ۴، ص ۵۲۳).

همچنین، امام خمینی (ره) همین واقعیت؛ یعنی خفقان سیاسی حاکم و وابستگی به بیگانگان در دوران پهلوی، را در پاسخ به نامه وزیر امور خارجه ترکیه در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۱؛ یعنی در ماه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدین نحو بیان می‌کنند:

«اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفت، یکی از شدت فشار خارجی و داخلی و چپاول‌گری‌های خارجی و داخلی، و اختناق‌های فوق‌العاده که در ظرف پنجاه و چند سال ایران و ملت ایران یک روز خوش ندید و اخیراً هم کشتارهای فوق‌العاده دست جمعی که در اکثر بلاد ایران پیش آمد، مردم را به جان آورد که این نهضت را همراهی کنند و یکی دیگر آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل که یک رژیم در مقابل رژیم‌های طاغوتی باشد و ما مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم» (همان، ج ۸، ص ۸۵).

لذا تا قبل از این که یک نهضت انقلابی به رهبری امام خمینی و برخوردار از یک سازمان سیاسی خاص بتواند ملی و فراگیر شود، رژیم پهلوی همچون تمامی رژیم‌های دیکتاتوری با ایجاد خفقان سیاسی و با اتکا بر نیروهای خارجی تلاش نمود تا اتحاد مردم را مخدوش و با سیاست‌گریز کردن ملت و بالاخص نسل جوان بتواند مطالبات ملی مردمی را نادیده گرفته و به خودکامگی خود ادامه دهد. اما امام خمینی و سایر رهبران مخالف رژیم با سعی در جذب سیاسی و اجتماعی جوانان توانستند جوانان سرخورده از سیاست را به سیاست بازگردانند و با اتکاء بر همین نیروها، نظام دیکتاتوری را ساقط کنند. سرنوشتی که تمامی نظام‌های دیکتاتوری باید انتظار آن را داشته باشند.

## ۲- مواضع و راهبردهای امام خمینی (ره) قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

### ۲-۱ جذب اجتماعی جوانان با التزام به تغییر رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات

مفهوم جذب اجتماعی<sup>۱</sup> که آن را در نقطه مقابل طرد اجتماعی به کار می‌بریم، امروزه در نزد بسیاری از متخصصان جامعه‌شناسی و رشته‌های علمی مرتبط و در نزد محققان بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای، به اصطلاحی متداول تبدیل شده است. همان‌طور که برخی از محققان امثال هیلاری سیلور برای ارائه تعریف طرد اجتماعی به مفاهیم عکس آن همچون همگرایی<sup>۲</sup> (ادغام)، و شهروندی<sup>۳</sup> در سه پارادایم همبستگی<sup>۴</sup> (در تفکر جمهوری‌خواهی از نوع فرانسوی)، تخصصی‌سازی<sup>۵</sup> (در لیبرالیسم انگلیسی - آمریکایی) و انحصارطلبی<sup>۶</sup> (در نزد چپ‌گرایان اروپا) رجوع می‌کنند (دیوید بیرن، ۲۰۰۸، ص ۲۶۲)، و یا برخی از دیگر محققان<sup>۷</sup> در ارائه تعریف عملیاتی برای طرد اجتماعی، آن را عدم مشارکت شخص در فعالیت‌های کلیدی در جامعه محل زندگی تعریف می‌کنند (همان، ص ۳۷۳)، من نیز با کمی تساهل تعریف جذب اجتماعی را در چهار بُعد ذیل ارائه می‌کنم:

۱- مصرف: ظرفیت و توان خرید کالاها و خدمات در جامعه که همانا مفهوم عکس آن یعنی فقر، محرومیت و بیکاری است.

۲- تولید: تولید هم در فعالیت‌های ارزشمند اقتصادی و هم اجتماعی که عکس آن همانا بیکاری، جمود و رکود فکری و علمی، فقر آموزشی و مهارتی است.

۳- حضور سیاسی: مشارکت در تصمیم‌سازی‌های محلی یا ملی که عکس آن سیاست‌گریزی، استبداد و خفقان و نقض حقوق مدنی و سیاسی است.

۴- همگرایی اجتماعی: همگرایی با خانواده، دوستان و اجتماع که عکس آن انزوای فردی و گروهی و اجتماعی، تعارضات فرهنگی و اجتماعی و مذهبی است.

برخلاف رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات دوران پهلوی که منجر به طرد اجتماعی جوانان شده بود، امام در مجال‌های مختلف به تبیین رویکرد مد نظر خود نسبت به اداره و توسعه کشور پرداختند و در همین راستا، اقدامات کلان در حوزه ساختارسازی و نهادسازی برای رسیدن به نظام‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و اجرایی ملی و یکپارچه متناسب را حمایت نمودند. از جمله این اقدامات که در واقع با هدف رفع علل و ریشه‌های طرد اجتماعی و تقویت عوامل جذب اجتماعی صورت گرفتند، می‌توان موارد ذیل را به اختصار بیان کرد:

#### ۲-۱-۱ تحول در نظام آموزشی

1 - Social inclusion

2 - Integration

3 - Citizenship

4 - Solidarity

5 - Specialization

6 - Monopoly

7 - Tania Burchardt, Julian Le Grand, and David Piachaud.

یکی از مواردی که به نوعی در طرد اجتماعی جوانان در دوران پهلوی اثر گذاشته بود، عدم تطابق محتوای آموزشی و نیازهای آموزشی جوانان بود. این مسئله هم در آموزش پایه و متوسطه و هم در تحصیلات تکمیلی به چشم می‌خورد و این با زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه سازگاری لازم را نداشت. به همین علت و با درک تجربه طرد اجتماعی حاصل از این مسئله در دوران شاهنشاهی، امام خمینی در یکی از اقدامات کلان و ساختاری خود، تصمیم به اسلامی کردن و همزمان دموکراتیزه کردن مدارس و دانشگاه‌ها کردند. این اقدام در مورد مدارس با سهولت بیشتری صورت گرفت؛ لکن در مورد دانشگاه‌ها که حساسیت بیشتری داشت موضوع از طریق فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی دنبال شد که با تعطیلی موقت دانشگاه‌ها همراه شد. بعدها ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۳ با حکم امام به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارتقا یافت و تا به امروز بر امور مرتبط با نظام آموزشی کشور نظارت دارد. دومین مورد که به عنوان یک خلأ در نظام آموزشی مطرح بود، فقدان برنامه‌های پرورشی ملهم از فرهنگ اسلامی جامعه بود. امام خمینی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب بر این مهم تأکید داشتند<sup>۱</sup> و لذا در دوران حیاتشان شاهد تأسیس معاونت امور تربیتی در وزارت آموزش و پرورش و راه‌اندازی دفاتر امور تربیتی در تمامی مدارس و دانشگاه‌ها بودیم. برگزاری مراسم مربوط به اعیاد مذهبی و ملی در مدارس و دانشگاه‌ها، التزام به برگزاری مراسم عبادی در مدارس و دانشگاه‌ها و برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی برای دانش‌آموزان و دانشجویان از این دست برنامه‌ها محسوب می‌شدند.

## ۲-۱-۲ تحول در مناسبات و تعاملات فرهنگی

در چارچوب فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی<sup>۲</sup> که بیش‌تر معطوف به مسئله نظام آموزش عالی کشور بود، امام خمینی نسبت به رفع مسائل فرهنگ عمومی نیز توجه داشتند. لذا ایشان در راستای نهادسازی برای اسلامی کردن فرهنگ و اجتماع کشور، گذشته از تأسیس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نسبت به تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی نیز همت گماردند. این سازمان در کنار نهادهایی همچون سازمان حج و زیارت، اوقاف و امور خیریه، با حمایت نهادینه از سازمان‌های مردمی و انجمن‌های خیریه به افزایش مناسبات فرهنگی و اسلامی در کشور کمک نمود؛ به طوری که امروزه در کنار نهادهایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای تابعه، سازمان‌هایی همچون سازمان تبلیغات اسلامی، منشأ بسط تعاملات و همگرایی فرهنگی اسلامی در کشور شده است. به عبارت دیگر، در حوزه فرهنگ هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی

۱- امام در دیدار با نمایندگان جامعه فرهنگیان قم در ۱۳۵۸/۱/۱۶ بر این نکته تأکید کردند: «... و ما هم که ماموریم این جوان‌هایی را که دست ما هستند و با آنها رابطه داریم، این‌ها تربیت اسلامی، تربیت دینی و متوجه به مسائل روز بکنیم. جوری باشد که از اول این بچه‌ها و جوان‌ها مسائل روز دستشان باشد و بفهمند که باید چه کنند در آتیه. در پهلوی علم باید این پرورش باشد و شما آقایان البته موظفید این کار را بکنید.» (صحیفه نور، ج ۳، ص ۵۰۰).

۲- البته قبل از این‌که امام فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را در تاریخ ۱۳۵۹/... صادر کنند، در همان روزهای اولیه پس از پیروزی در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۹ در دیداری که با گروهی از فرهنگیان رفسنجان داشتند نوعی تحول فرهنگی را وعده دادند: «... ان شاء الله بعد از این‌که استقرار پیدا کرد حکومت اسلامی، تقصیرها را همه با هم باید رفع بکنیم که در رأس آن‌ها فرهنگ است. فرهنگ اساس ملت است. اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند.» (صحیفه نور، ج ۳، ص ۵۷۵)

تغییراتی را ایجاد کردند که موجب تحول در مناسبات و تعاملات فرهنگی شد و تاکنون آثار آن به طرز مشهودی دیده می‌شود.

### ۳-۱-۲ مبارزه با بیکاری، فقر و محرومیت

یکی از عوامل اصلی در طرد اجتماعی جوانان در نزد تمامی جوامع همانا بیکاری و فقر و محرومیت ناشی از آن بوده است. امام خمینی در کتاب ولایت فقیه که به تبیین تئوری ولایت فقیه می‌پردازد، یکی از اساسی‌ترین مشخصه‌های حکومت اسلامی را مبارزه با فقر و محرومیت معرفی می‌کند: «علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرامخوار در ناز و نعمت به سر ببرند» (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص ۳۷). در اولین اقدامات کلان برای جذب اجتماعی جوانان، از تأسیس جهاد سازندگی و تشکیل کمیته امداد<sup>۱</sup> استقبال نمودند. جهاد سازندگی از جمله نهادهای انقلابی بود که در سخت‌ترین شرایط در ۸ سال دوران دفاع مقدس توسعه روستاها را در دستور کار گذاشته بود و در اهداف خود بسیار موفق عمل نمود. بسیاری از محرومیت‌ها و فقر شایع در روستاها با همت نیروهای جهادی مرتفع گردید و نیروهای جوان اعم از روستایی و شهری نیز وارد چرخه اشتغال مولد در کشور شدند. این روند مبارزه با فقر و محرومیت تا زمان حیات امام استمرار یافت و ایشان با حساسیتی که نسبت به معیشت مردم داشتند از هرگونه برنامه‌ای که منجر به ارتقای تولید ملی و خودکفایی می‌شد به شدت حمایت می‌کردند.

### ۴-۱-۲ رفع تبعیض‌های قومی و طبقاتی

یکی از مواردی که موجب فراگیر شدن نهضت امام خمینی علیه رژیم پهلوی شد همانا مخالفت اکید امام با تبعیض‌های قومی و طبقاتی بود. امام چه قبل و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی مواضع خود را در قبال این مسئله بیان می‌کردند و توانستند قومیت‌ها و طبقات مختلف جامعه را با خود همراه کنند. پس از پیروزی، ایشان در زمان تدوین قانون اساسی توجه و تأکید خاصی بر مسئله قومیت‌ها و طبقات محروم داشتند؛ به طوری که مجلس مؤسسان برخی از اصول قانون اساسی را به این مسئله اختصاص دادند. امروزه اصول ۱۹ و ۲۶ قانون اساسی به موضوع رفع تبعیض قومیتی اختصاص دارد. از سوی دیگر، ملاقات‌های صمیمانه و پی‌درپی امام با اقشار و گروه‌ها و اقوام مختلف ایرانی، مؤید التزام عملی ایشان به برابری تمامی شهروندان ایرانی و پرهیز از هرگونه تبعیض قومی، طبقاتی و مذهبی بود. لذا حضور گسترده جوانان از تمامی قومیت‌ها و گروه‌های ایرانی - هم در اداره کشور و هم در اداره جنگ تحمیلی ۸ ساله - نتیجه تغییراتی بود که امام هم در رویکرد و هم در سیاست‌ها و اقدامات نظام در قبال اقوام و اقلیت‌ها ایجاد کرده بود.

### ۵-۱-۲ ظرفیت‌سازی اجتماعی در جوانان

۱- دستور برای تشکیل کمیته‌های امداد، طی حکمی از سوی امام در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۹ صادر شد که به حجت‌الاسلام مهدی کروی ماموریت داده شد کمیته‌های امداد را در تهران و شهرستان‌ها تشکیل بدهد و حسابی تحت همین عنوان امداد باز کند و با حسن تدبیر وجوه دریافتی را در قالب کمیته‌ها هزینه کند.

از آن‌جا که امام از همان سال‌های قبل از پیروزی بر توان و ظرفیت نیروهای جوان تکیه داشتند و پس از پیروزی نیز همواره تأکید داشتند که با حمایت جوانان جمهوری اسلامی را مستقر و اداره خواهند کرد، ایشان با هوشیاری تمام مقدمات لازم برای ظرفیت‌سازی جوانان را فراهم ساختند. امام همان‌طور که در انتقاداتش در قبل از انقلاب مطرح کرده بود تلاش نمود تا جوانان را از مراکز فساد و فحشا و از پای منقل و پیاله به میدان‌های علم و جهاد برای اسلام بکشاند. لذا بر اساس رویکردی اسلام‌گرایانه و در در چارچوب فرایند نهادسازی برای ساماندهی امور جوانان، نه تنها از تأسیس نیروی مقاومت بسیج، بسیج دانش‌آموزی و دانشجویی، بسیج سازندگی و انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی و دانشجویی، بلکه از تبدیل سازمان جوانان شیر و خورشید به سازمان جوانان جمعیت هلال احمر حمایت نمودند.

### ۶-۱-۲ هویت بخشی به جوانان

یکی از مسائلی که در دوران پهلوی امام را بسیار نگران کرده بود روند مدرنیزاسیون رضاشاهی و پس از آن محمدرضاشاهی بود. مسائلی همچون کشف حجاب در زمان رضاشاه، ترویج و ازدیاد کاباره‌ها در زمان محمدرضاشاه، مراکز فساد و مشروب‌فروشی‌ها، سینماهای همراه با فیلم‌های آمیخته به صحنه‌های خلاف شرع که تماماً نسل جوان را هدف قرار داده بود از همان آغاز نهضت پیوسته مورد انتقاد شدید امام قرار داشت. از سوی دیگر، مهاجرت جوانان روستایی به شهرها که تابعی از ورشکستگی اقتصاد کشاورزی و روستایی و فقر و بیکاری ناشی از آن بود موجب شکل‌گیری نوعی گسست هویتی شدید در میان جوانان ایرانی شده بود؛ به طوری که برخی از محققان جامعه‌شناسی سیاسی که در زمینه تئوری‌های انقلاب کار کرده‌اند، چنین گسستی را یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی می‌دانند. لذا امام خمینی، پس از پیروزی انقلاب با علم به این‌که جوان ایرانی دچار بحران هویتی بوده است و به دنبال گم شده خود می‌باشد، تلاش نمودند تا در کنار نهادسازی‌هایی که در حوزه جوانان می‌شود کارهای تبلیغی و ترویجی بسیاری نیز برای شناساندن هویت ایرانی اسلامی مبتنی بر تشیع صورت گیرد. صاحب‌نظران و متفکرانی همچون شهید استاد آیت‌الله مطهری<sup>۱</sup> و شهید آیت‌الله مفتاح از این جهت برای ایشان عزت و جایگاه خاصی داشتند که متقبل چنین کار بزرگی؛ یعنی هویت‌بخشی اسلامی به جوان ایرانی، شده بودند.

### ۳-۱-۲ انتقال جوانان از حاشیه به متن

سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه ملی در دوران پهلوی که تمرکز خود را بر توسعه اقتصادی و آن هم صنعتی شدن گذاشته بود و از توجه به ابعاد سیاسی و اجتماعی توسعه غفلت کرده بود،<sup>۲</sup> موجب به هم‌ریختگی ساختار اقتصاد و تولید کشور و تضعیف کشاورزی و تولید سنتی گردید. مهاجرت، فقر و بیکاری فزاینده ناشی از این

۱- البته استاد مطهری که به تعبیر برخی از نویسندگان خارجی دومین شخص قدرتمند جمهوری اسلامی بودند چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب درگیر مسائل کلان بودند ولی از جمله افرادی بود که پیش‌بینی می‌شد که نظام هویت‌بخشی اسلامی به کل جامعه و بالاخص نسل جوانان را بر عهده متفکرانی امثال ایشان بگذارد (جوانمرد، ۱۳۵۸).

۲- عمده محققان بر این نکته اذعان دارند که توسعه تک‌بعدی موجب عدم توفیق بوده است. در عین حال برخی به جای ذکر اصطلاح فقدان توسعه سیاسی و اجتماعی به اصطلاح ساخت قدرت مطلقه اشاره دارند. (فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۴۲-۴۱)

تغییرات کلان موجب شد تا بخش زیادی از جمعیت جوانان کشور به حاشیه رانده شوند. فقدان نظام جامع رفاهی مدرن نیز از سوی دیگر موجب تشدید بی‌عدالتی اجتماعی گردید و جوانان بیش از پیش به حاشیه رفته و مشارکتی در سرنوشت ملی نداشته باشند. برخی از محققان معتقدند که یکی از عللی که موجب فراگیرتر شدن نهضت امام و پیروزی انقلاب اسلامی شد همین حضور انقلابی این دسته از جوانان محروم و حاشیه‌ای بود. اما امام خمینی که از قبل، طبقه مستضعف را موتور محرکه انقلاب می‌دانست، از همان روزهای اولیه پیروزی انقلاب عمده مسئولیت‌ها را بر دوش این طبقه گذاشت و جوانان را از حاشیه به متن آورد. ایشان به خوبی می‌دانستند که رمز ماندگاری و استحکام نظام انقلابی همانا نیروهای جوانی است که پرانرژی، عدالت‌خواه، آرمان‌گرا و استکبارستیزند و در عین حال التزام بیش‌تری به رهبری ایشان دارند. لذا بسیاری از عرصه‌ها اعم از نظامی و انتظامی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی با حضور پررنگ جوانان همراه شد و امام نیز در مواردی به این قبیل نیروها احکام و فرمان‌های ویژه دادند.

## ۲-۲ جذب سیاسی جوانان با التزام به ترویج آزادی، مردم‌سالاری دینی و استقلال سیاسی

امام (ره) از همان دوران مبارزه علیه رژیم شاه و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی پیوسته به تکلیف و نقش خود برای جذب جوانان به سیاست عمل می‌کردند. این التزام را می‌توان در بیانات و رهنمودهای ایشان به مردم و جوانان از همان روزهای آغازین شکل‌گیری نهضت؛ یعنی از همان سال ۱۳۴۲ به این سو، ردیابی کرد. برای نمونه، امام (ره) در بیانات خود به مناسبت حقوق بشر و فضای باز سیاسی در ۱۳۵۷/۷/۲۱ چنین فرمودند:

«و ما وظیفه داریم، مایی که الان این‌جا، شمایی که این‌جا نشستید و منی که این‌جا نشستم، ما وظیفه داریم که با آن‌ها هم‌صدا باشیم؛ یعنی هر مقداری که از دست ما برمی‌آید باید کمک بکنیم. کمک به غیر نیست، کمک به خودتان هست؛ آن‌ها برای شما قیام کردند. مردم ایران الان برای شما دارند خون می‌دهند، برای شما بچه‌هایشان، جوان‌هایشان از بین می‌رود، دخترهایشان، پسرهایشان از بین می‌رود. ما باید به آن‌ها کمک کنیم؛ ما خیال نکنیم که این‌جا نشستیم تکلیف نداریم، همه‌مان تکلیف وجدانی داریم، تکلیف شرعی داریم، تکلیف عقلی داریم که با این جمعیت مظلومی که قیام کردند و می‌خواهند حق خودشان را، آن حق خودشان که حق ما هم هست بگیرند، ما هم با آن‌ها همراهی کنیم، ما هم دنبال آنها باشیم. می‌توانیم مقاله بنویسیم، می‌توانیم در روزنامه چیز بنویسیم، هر قدر می‌توانیم در این دانشگاه‌هایی که می‌رویم به مردم بگوییم، به مردم این‌جاها بگوییم مسائل آن‌جا را. مسائل را منتشر کنید». (صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۲۳)

و یا در ۱۳۵۷/۱۰/۱۰ در نوفل‌لوشاتو این‌طور بیان کردند: «قهرماً وقتی یک دولت صالح پیش آمد مردم را آزاد می‌گذارند برای انتخابات. قهرماً وقتی انتخابات آزاد شد، مردم، مردم که همه غیرصالح نیستند، مردم اکثرشان صالحند، مردم خوبی‌اند، دلشان می‌خواهد مملکت‌شان صحیح باشد، سالم باشد، اقتصادشان صحیح باشد. همه چیز را دلشان می‌خواهد، از خدا می‌خواهند که صلاحی بالای سرشان باشد. قهرماً وقتی که انتخابات آزاد شد و این اشخاص غیرصالح دخالت در آن نکردند، در مجلس اشخاص صالح می‌روند. وقتی اشخاص صالح در یک مجلسی رفتند، دولت صالح به پا شد رئیس‌جمهور صالح شد، این مخالف مصلحت مملکت عمل نخواهد کرد» (همان، ج ۵، ص ۳۲۱).

در مجاللی دیگر و در مصاحبه‌ای که با مجله محلی ل. اکو در ۱۳۵۷/۱۰/۲۵ داشتند چنین ابراز داشتند: «در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند» (همان، ص ۶۸).

در واقع، امام با این بیان به جوانان نوید می‌دهد که هم به آزادی و هم به مردم‌سالاری دست خواهند یافت و در نظام مدنظر امام راه برای فعال‌گرایی سیاسی جوانان باز است و هیچ علتی برای سیاست‌گریزی جوانان وجود نخواهد داشت.

همچنین، امام از همان روزهای قبل از پیروزی، جوانان را در حفظ استقلال کشور و پیشگیری از دخالت بیگانگان سهیم نمودند. لذا در پیامی که در ۱۳۵۷/۱۰/۲۷ به مناسبت فرار شاه ارسال کردند، اولین خطاب ایشان به جوانان بود: «۱- بر جوانان غیور در سراسر کشور لازم است برای حفظ نظم با آن دسته از قوای انتظامی که اکنون به آغوش ملت بازگشته‌اند با تمام نیرو همکاری کنند و با کمال قدرت و جدیت نگذارند که بدخواهان و منحرفین، آشوب و ناامنی ایجاد نمایند. ۲- به تظاهرات و شعارهای پرشور علیه رژیم سلطنتی و دولت غاصب ادامه دهند و اگر منحرفین و مخالفین اسلام بنحواهند اخلالی به وجود آورند و نظم را به هم زنند، از آنان جداً جلوگیری کنند. باید ملت بداند که هر انحرافی و هر شعاری که مخالف مسیر ملت است به دست عمال شاه مخلوع و عمال اجانب تحقق می‌یابد» (همان، ص ۸۶-۸۷). در همین روز در مصاحبه‌ای که با خبرنگاران خارجی داشتند چنین فرمودند: «من از ملت می‌خواهم که خودشان مواظب نظم مملکت باشند و جوانان غیور ما کنترل شهرستان‌ها و دهات و قراء را به دست گیرند و نگذارند کسانی که آشوب‌طلبند در این قراء و قصبات و شهرستان‌ها- خدای نخواست- دست به خرابکاری بزنند. و من اخطار می‌کنم به آن اشخاصی که شلوغ می‌کنند و تبلیغات سوء در این زمینه‌ها می‌کنند و می‌خواهند با فرصت‌طلبی آشوب به پا کنند و بر ضد ملت ایران یک تبلیغاتی بکنند و بر نفع اشخاص خارج و دولت‌های ابرقدرت یک کارهایی بکنند من اخطار به آن‌ها می‌کنم که اگر یک همچو کاری بکنند سرنوشت سختی خواهند داشت» (همان، ص ۸۴-۸۵).

بعدها امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز این روند را با قدرت و شدت بیش‌تری ادامه دادند و نه تنها در مقام نظر و بیان، بلکه در مقام عمل اقدام به ترویج آزادی، مردم‌سالاری دینی و حفظ استقلال کشور نمودند.

در مقام بیان و اظهار نظر، امام (ره) با تکریم و تجلیل از نقش و حضور سیاسی جوانان در پیروزی نهضت و استقرار و تداوم جمهوری اسلامی تلاش نمودند تا جوانان را به عرصه سیاست جذب کنند. برای نمونه، امام (ره) در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۷ بر لزوم نقش جوانان در ارتقای مردم‌سالاری دینی از طریق انتخابات چنین فرمودند: «امید ما به شما جوانان است. مرحله رای‌گیری برای وکلای مجلس مؤسسان، رای‌گیری برای وکلای مجلس شورا، این دو مرحله را هم ما [در] پیش داریم که بعد برویم سراغ مرحله‌های دیگر و من در همین دو مرحله هم همه امیدم به شما جوان‌هاست، جوان‌های ایران، جوان‌های همه کشور، و من امیدوارم که با همت والای شما جوان‌ها ما در آن دو مرحله [هم] پیروز بشویم و وکلایی که وارد مجلس مؤسسان می‌کنیم وکلای اسلامی باشند، وکلای امین باشند، فضیلتی ملت باشند و

همین‌طور در مجلس شورا، بعد از این مرحله مجلس مؤسسان است برای این‌که قانون اساسی را رأی به آن بدهند و [در] آن‌جا هم شما آقایان باید البته مجلس خودتان هست کشور خودتان هست اسلام خودتان است در آن‌جا هم باید زحمت بکشید و موجبات تشکر ما را فراهم کنید» (همان، ج ۶، ص ۴۷۹).

متعاقباً در ترویج آزادی (البته در چارچوب اسلام) در دیدار با پرسنل نیروی دریایی بندر عباس در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱۱ چنین تذکر دادند: «شما آزادید، آزادی را صرف کنید در صلاح ملت، در صلاح کشور، و آزادی برای این نیست که هر کس هر کاری می‌خواهد بکند، قاچاق‌فروشی بکند، گران‌فروشی بکند، سرحدات را به هم بزند، نظام را به هم بزند، جهات مقررات ملی و دولتی و اسلامی را ملاحظه نکند. معنای آزادی این نیست. آزادی در حدود مقررات است. مقررات را باید حفظ کرد کسی حق ندارد به شما تعدی بکند. شما آزادید و کسی حق ندارد شما را محدود کند لکن مقررات را باید همه حفظ بکنیم، من که در این‌جا هستم و شما که در سرحدات هستید باید مقررات را حفظ بکنیم، باید نظامات را حفظ بکنیم؛ باید جهاتی که مقرر شده است برای ما و شما همه حفظ بکنیم تا ان شاء الله این کشور را به سامان برسانیم» (همان، ج ۸، ص ۳۸-۳۹).

در مجالسی دیگر امام (ره) در دیدار با گروه امداد تهران که در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۸ صورت گرفت بر محور بودن مردم تأکید کردند: «ما از اول هم امیدمان به ملت و جوان‌های برومند ملت بود. ما همیشه توجه‌مان به خود ملت، به نیروی انسانی - الهی ملت بوده است و با استمداد از همین طبقه کارگر، طبقه تحصیل‌کرده جوان، بازاری‌ها، از همین طبقات به قول آنها طبقات پایین و به قول من طبقات بالا استفاده کردیم. این‌ها بودند که نهضت را به این‌جا رساندند و این‌ها هستند که می‌توانند به پیش ببرند» (همان، ج ۱۰، ص ۳۹۸-۳۹۹). همچنین، امام (ره) در دیدار با جمعی از فرهنگیان و دانش‌آموزان قم که در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ صورت گرفت در پاسخ به کسانی که جمهوری را بدون اسلام تبلیغ می‌کردند چنین عنوان کردند: «آنها که در نوشتجات‌شان از جمهوری دم می‌زنند، جمهوری فقط، یعنی اسلام نه، آنهایی که جمهوری دموکراتیک می‌گویند، یعنی جمهوری غربی، جمهوری اسلامی نه، آن‌ها می‌خواهند باز همان مصائب را با فرم دیگر برای ما به بار بیاورند. آنها اصلاً در این نهضت دخالت نداشتند، آنها که امروز به خیال خودشان می‌خواهند سر سفره آماده بنشینند، در این نهضت به هیچ وجه دخالت نداشتند. این نهضت را شماها، این نهضت را طبقه محصل، طبقه کارگر، دهقان، بازاری، این نهضت را این‌ها به بار آوردند و این‌ها حق دارند» (همان، ج ۶، ص ۳۵۳).

اما در مقام عمل، امام (ره) در مجال‌های مختلف اقدام به ترویج آزادی، مردم‌سالاری دینی و حفظ استقلال کشور نمودند. در این ارتباط، نمونه‌هایی از اقدامات و مداخلات امام به شرح ذیل یادآوری می‌شود:

۱- التزام عملی امام به مردم‌سالاری دینی، از همان روزهای آغازین پس از پیروزی انقلاب در قالب برگزاری فراندوم نمایان شد. امام در مقابل کسانی که می‌خواستند به بهانه‌هایی برگزاری فراندوم را به تأخیر بیندازند برخورد کرد و خواستار برگزاری هرچه سریع‌تر فراندوم برای جمهوری اسلامی شد. این الزام یک بار دیگر در ماجرای قانون اساسی تکرار شد. ایشان در جمع گروهی از اقشار مردم در ۱۳۵۸/۳/۲۵ در خصوص اصالت رأی مردم چنین گفتند: «ما بعد از این‌که بررسی شد در قانون اساسی، به نظر خبرگان اسلامی رسید، به نظر روحانی اسلامی رسید، به نظر علمای متعهد رسید، به نظر

نمایندگان مردم رسید، باز هم در افکار عمومی می‌گذاریم، خود ملت میزان است. مجلس مؤسسان اگر اعتبار دارد برای این است که مجلس مبعوث از ملت است. خود ملت حق ندارد رأی بدهد لکن وکیل ملت حق دارد؟! این چه غلطی است؟ خود من حق ندارم تصرف بکنم در مال، وکیل من حق دارد؟! خود شما حق ندارید رأی بدهید، وکیل شما حق دارد؟! وکلا برای این حق دارند که وکیل شما هستند و آلا چه حقی دارند؟ یک نفر چه حقی دارد برای ۳۵ میلیون جمعیت رأی بدهد؟ پنجاه نفر به ششصد نفر چه حقی دارد برای یک ملت ۳۵ میلیونی رأی بدهد؟ این حق برای این است که شما می‌خواهید رأی بدهید، رأی شماست، میزان، رأی ملت است» (همان، ج ۸، ص ۱۷۲-۱۷۳).

۲- التزام عملی امام برای فعالیت در چارچوب قانون نیز در پیگیری ایشان برای تصویب قانون اساسی با رجوع به آراء ملت دیده می‌شود. امام در مقابل تعللی که برای تصویب قانون اساسی در مجلس مؤسسان می‌شد واکنش نشان دادند و نگرانی خود را متذکر شدند. ایشان چنین تصریح کردند که تعویق موجب این می‌شود که اشخاص توطئه‌گر در مرزهای ما در داخل، در خارج با هم متصل بشوند و با اتصال با هم اصل قانون اساسی و اصل اساس را پایمال کنند.

۳- التزام عملی امام به آزادی‌های اساسی و سیاسی مردم و بالخصوص جوانان را باید در تشویق ایشان از حضور گسترده جوانان در انتخابات اعم از رأی دادن و نامزد شدن، از انتقاد کردن و انتقاد شدن و از پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت‌ها دانست.

۴- التزام عملی امام به حفظ استقلال کشور با تکیه بر جوانان را نیز می‌توان در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان انقلابی مشاهده کرد. زمانی که خبر رسید که برخی از دانشجویان در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ خودسرانه اقدام به اشغال سفارت آمریکا و به گروگان گرفتن کارکنان این سفارتخانه نموده‌اند، امام از این حرکت انقلابی دانشجویان حمایت کردند و در سخنرانی‌ای که در ۱۶ آذر ۱۳۵۸ ایراد فرمودند از سفارت آمریکا با عنوان لانه جاسوسی یاد کردند: «ما که مرکز جاسوسی را گرفتیم نه سفارتخانه را» (همان، ج ۱۱، ص ۲۷۱). «این‌ها اگر هم یک وقتی بی‌عقلی کنند و فرض کنید بریزند به ایران، این جوان‌های ما آنها را با چنگ و دندان از بین می‌برند، نمی‌گذارند این‌ها یکی‌شان هم بروند. اگر هم این کاری که کرده بود رسیده بود به آن‌جایی که بیایند در تهران و بیایند در این لانه جاسوسی آن وقت می‌فهمیدند که با چه اشخاصی طرف هستند. در هر صورت من از شماها تشکر می‌کنم که خودتان بدون این‌که غیر از خدا یک کسی وادارتان بکند (این چیزی است که از مبدأ الهی جوشش پیدا کرده) خودتان وارد این میدان شدید» (همان، ج ۱۲، ص ۲۶۹). یک سال بعد از اشغال سفارت آمریکا، آیت‌الله شهید بهشتی نیز این اقدام را جهشی در راه قطع وابستگی و سرعت بخشیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی از ابرقدرت‌ها و قدرت‌های وابسته به آنها توصیف کردند (شادلو، ۱۳۸۶، ص ۹۱).

نتیجه‌گیری

مفهوم طرد و جذب اجتماعی از جمله مفاهیمی است که امروزه از سوی بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران رشته‌های تخصصی مختلف در علوم اجتماعی مطرح و بحث شده است. این مفهوم می‌تواند بسیاری از مسائل اجتماعی را در چارچوب مفهومی‌اش مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و علل و تبعات آن را تبیین نماید. مسئله جوانان از جمله مقوله‌هایی است که در سه دهه اخیر بیش از گذشته مورد توجه بسیاری از مطالعات و تحقیقات جدی قرار گرفته و به عنوان یک موضوع چند رشته‌ای و یا بین‌رشته‌ای در کنار مقولاتی همچون طرد اجتماعی و جذب اجتماعی موضوع پژوهش و تحلیل بوده است. بسیاری از اقدامات و تحولات اجتماعی که از قبل در چارچوب مفاهیمی همچون انقلاب، اصلاحات، جنبش، همگرایی و واگرایی اجتماعی، اجتماعی شدن، ادغام اجتماعی، حاشیه‌ای‌شدن و حاشیه‌نشینی، انزوای اجتماعی و . . . بررسی و تحلیل می‌شده‌اند، در قالب مفاهیمی جدیدتر همچون طرد و جذب اجتماعی نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند.

در این مقاله ما تلاش نموده‌ایم تا حرکت بزرگی که امام خمینی (ره) تحت عنوان نهضت انقلاب اسلامی از سال ۱۳۴۲ آغاز نمودند و نهایتاً با استفاده از نیروهای جوان کشور به فرجام رساندند را مورد مطالعه قرار دهیم. هرچند امام خمینی از اصطلاحات و مفاهیم متداول جامعه امروزی همچون جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی، توسعه انسانی، توسعه پایدار، طرد اجتماعی، جذب اجتماعی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و . . . ، یا استفاده نکردند و یا بسیار کم در حد اشاره اکتفا کردند، لکن در قالب ادبیات و مفاهیمی بسیار ساده و عامه‌فهم و عامه‌پسند و در قالب فرامین و رهنمودهایشان به تمامی این مفاهیم چه در نظر و چه در عمل توجه داشتند. رویکردها، جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌هایشان چه قبل و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تماماً در چارچوب مفهومی این مفاهیم جدید قابل تبیین است. برای نمونه، در این مقاله، دو مفهوم طرد اجتماعی و جذب اجتماعی و دو مفهوم سیاست‌گریزی و جذب سیاسی چارچوب مفهومی انتخاب شده و مواضع و راهبردهای امام در استفاده از نسل جوان و چالش‌های مرتبط با مسئله جوانان به عنوان عامل اصلی پیروزی نهضت تبیین و تحلیل شده است. این‌که انتقادات امام به پهلوی عمدتاً متوجه مسائل جوانان بود و مسائل جوانان در خواسته امام از رژیم موضوعیت داشته است؛ این‌که نهضت امام جوانان را بیدار و به نفع اسلام و ایران بسیج کرد و در مقابل، جوانان نیز پشتوانه و عامل پیروزی این نهضت شدند؛ این‌که امام چه قبل و چه پس از پیروزی نهضت و تا آخر عمر همواره جوان‌باور و جوان‌گرا بوده است؛ این‌که امام جوانان را سرمایه ملی کشور می‌دانست و در مقابل نیز قاطبه جوانان به علت گرایش‌های اسلامی - ایرانی به رهبری امام اعتماد داشتند؛ و این‌که درک متقابل امام و جوانان نسبت به مسائل اصلی کشور و انتقاد صریح امام به بی‌عدالتی، فساد و استبداد دوران پهلوی (عامل اصلی طرد اجتماعی و سیاسی جوانان)، عامل پیوند امام و جوانان بوده است، پاسخ سؤالات مطروحه در مقدمه است که تماماً در خلال مباحث ارائه شده است. در انتها می‌توان این ادعا را که "جذب اجتماعی و سیاسی جوانان از سوی امام خمینی یکی از رموز پیروزی انقلاب اسلامی بوده است" به عنوان فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار داد.

## منابع

## منابع فارسی

- ۱- امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۵۷، انتشارات امیر کبیر با همکاری نمایشگاه کتاب قم، تهران
- ۲- جوانمرد، سیداحسان، ۱۳۵۸، رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۳- صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)، چاپ چهارم، ۱۳۸۵
- ۴- جوانان از دیدگاه امام خمینی؛ تبیان آثار موضوعی (دفتر شانزدهم)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) با همکاری دبیرخانه شورای عالی جوانان، چاپ دوم، پاییز، تهران ۱۳۷۸
- ۵- آیین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴
- ۶- شادلو، عباس، ۱۳۸۶، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم: ناگفته‌های تاریخی از دولت موقت و شورای انقلاب تا سقوط بنی صدر (۱۳۶۰-۱۳۵۷)، ناشر مولف، چاپ اول، تهران
- ۷- فراهانی، محمد، ۱۳۸۳، کالبد شکافی توسعه در ایران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران
- ۸- سطوتی، جعفر، ۱۳۸۰، علل و انگیزه سازمان‌های بین‌المللی از تشدید توجه به مسئله جوانان در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران

## منابع لاتین

- 1- David Byrne, (2008) Social Exclusion: Critical concepts in sociology, volume I Routledge, UK
- 2- Hilary Silver, (1994) "Social Exclusion and Social Solidarity", International Labour Review 133, nos. 5-6
- 3- Hilary Silver, "Social Exclusion: Comparative Analysis of Europe and Middle East Youth," Middle East Youth Initiative Working Paper (September 2007),
- 4- <http://urbact.eu/document-library/virtual-files/childhood/france/situation-of-single-parent-households-headed-by-wo.html>